

محمد ناصری، مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی
آموزشی در بازدید از نمایشگاه کتاب تهران:



چشم و هم چشمی والدین به بازار آشفته نشر آموزشی دامن می‌زند!

مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی می‌گوید: «دانش آموز با انواع کتاب‌های آموزشی محاصره می‌شود که این بر سردرگمی او می‌افزاید و ناآگاهی و چشم و هم‌چشمی اولیا هم به این آشفته بازار دامن می‌زند.»

محمد ناصری که از بیست و نهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران بازدید می‌کرد، در محل غرفه این دفتر، درخصوص برخی تفکرات رایج در جامعه که به آشفته‌گی بازار نشر آموزشی دامن می‌زند، به خبرنگار پانا گفت: «پدر و مادرها فکر می‌کنند باید فرزندان را با تهیه انواع کتاب‌ها، پشتیبانی سخت‌افزاری کنند. مثلاً دانش‌آموزی که قصد شرکت در کنکور را دارد حدود ۵۰۰-۶۰۰ هزار تومان کتاب می‌خرد. حال اگر از یک دانشجوی سال اول دانشگاه بپرسید از بین چهل پنجاه عنوان کتابی که برای کنکور خریده است، چند تا را خوانده است، ممکن است بگوید نصف این کتاب‌ها را حتی ورق هم نزده است!»

وی با ابراز تأسف از این که ناآگاهی و چشم و هم‌چشمی اولیا به آشفته بازار دامن می‌زند، افزود: «اگر یک دانش‌آموز کتاب درسی را عمیق بخواند، شاید برای کسب موفقیت به کتاب دیگری هم نیاز نداشته باشد یا حداکثر برای برخی از درس‌های چند کتاب محدود را هم بخواند؛ ولی امروز دانش‌آموز ما با انواع کتاب‌ها محاصره می‌شود و این بر سردرگمی او می‌افزاید. او در مقابل خود، انبوه کتاب‌هایی را می‌بیند که حتی فرصت ورق زدن بسیاری از آن‌ها را ندارد و این چه بسا خود موجب استرس شوند؛ چون دانش‌آموز همیشه فکر می‌کند با نخواندن آن‌ها مطالبی را از قلم انداخته است؛ درحالی که بسیاری از این کتاب‌های آموزشی محتوایی شبیه به هم دارند. بنابراین ناشران، آموزش‌وپرورش، خود دانش‌آموزان، اولیا و معلمان هر یک به نحوی در ایجاد این فضای استرس‌زا نقش دارند.»

فرهنگ‌سازی و بازار کار، کلید حل معضل

مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در پاسخ به این

پرسش که «راه مقابله با این بازار کاذب و فضای پراسترس ناشی از آن چیست؟» گفت: «یکی آن است که همه راه‌ها به کنکور ختم نشود. یعنی هدف همه ورود به دانشگاه، آن هم مهم‌ترین دانشگاه‌های کشور نباشد؛ که این خود به دو عامل بستگی دارد؛ یکی فرهنگ‌سازی، یعنی باید این باور ایجاد شود که راه رسیدن به موفقیت فقط کنکور نیست؛ دوم تغییر وضع بازار کار.» وی توضیح داد: «اگر برای دانش‌آموز ما شرایطی مهیا شود که بعد از دیپلم متوسطه بتواند شغلی متناسب با توانمندی‌های خود بیابد، یا آموزش‌های مهارتی پیش از اشتغال را در مراکز از قبل تعیین شده ببیند و سپس جذب بازار کار شود، عطش کنکور فروکش خواهد کرد.»

سرنخ داستان جای دیگری است

ناصری با تأکید بر این موضوع که معمولاً در مرحله کارشناسی تفاوت‌چندانی بین دانشگاه‌های مختلف در داخل کشور و حتی در خارج از کشور نیست و تفاوت‌ها بیشتر از دوره فوق لیسانس نمایان می‌شود، گفت: «تا وقتی نگاه «چشم و هم‌چشمی» وجود دارد و هر کس خواهد با قبول شدن در یکی از چند دانشگاه مشهور ثابت کند که از بقیه بالاتر است، این شرایط دوام خواهد داشت.»

وی در پایان نتیجه‌گیری کرد: «مسئله‌های فرهنگی معمولاً راه حلش ساده و مربوط به یک بخش از جامعه نیست. موضوع فرهنگ موضوعی به هم پیوسته و درهم تنیده است که به عوامل متعددی ارتباط پیدا می‌کند و در این موضوع تنها یک بخش آن مربوط به کتاب‌های آموزشی است که ما مسئولیت مستقیم آن را برعهده داریم. سرنخ این داستان جای دیگری است.»

مسئله‌های فرهنگی
معمولاً راه حلش ساده
و مربوط به یک بخش از
جامعه نیست. موضوع
فرهنگ موضوعی به هم
پیوسته و درهم تنیده
است که به عوامل
متعددی ارتباط پیدا
می‌کند